خبر

کارشناس نظامی برجسته غربی مطرح کرد

پهپادهای ایران؛ تهدید جدی برای ناو آبراهام لینکلن

یک کارشناس برجسته پهپادهای نظامی هشدار داد که دارایی‌های نظامی ایالات متحده در غرب آسیا می‌توانند با تهدید جدی از سوی پهپادهای ایرانی مواجه شوند.

به گزارش ایسنا، «کامرون شِل» مدیرعامل و یکی از بنیانگذاران شرکت Draganfly (شرکت کانادایی/شمال-آمریکایی است که در زمینه طراحی و ساخت پهپادها و سیستم‌های هوایی بدون سرنشین فعالیت می‌کند) هشدار داد که اتکای روزافزون ایران به هواپیماهای بدون سرنشین کم‌هزینه، خطری جدی برای دارایی‌های ارزشمند نیروی دریایی ایالات متحده، از جمله ناو گروه هواپیمابر آبراهام لینکلن ایجاد می‌کند.

شل که با شبکه فاکس نیوز گفت‌وگو می‌کرد، اظهار داشت: «توانایی‌های پهپادی ایران به ده‌ها میلیون دلار می‌رسد.»

وی ادامه داد: «ایران با تطبیق کلاهک‌های کم‌هزینه با سکوهای پرتاب ارزان‌قیمت و استفاده از هواپیماهای کنترل از راه دور، یک تهدید نامتقارن مؤثر علیه سیستم‌های نظامی بسیار پیشرفته ایجاد کرده است.»

به گفته این کارشناس برجسته، ایران می‌تواند تعداد زیادی پهپاد نسبتاً ساده را به‌طور مستقیم به سمت کشتی‌های نیروی دریایی شلیک کند و حملات گسترده‌ای انجام دهد که می‌تواند دفاع‌های سنتی را از کار بیندازد.

شل خاطر نشان کرد: «اگر صدها پهپاد در مدت زمان کوتاهی شلیک شوند، می‌توان به‌طور قطع گفت که برخی از آنها عبور خواهند کرد.»

او تصریح کرد: «سیستم‌های دفاعی مدرن در ابتدا برای مقابله با این نوع حمله گسترده طراحی نشده‌اند. در میان تجهیزات نظامی ایالات متحده که در نزدیکی آب‌های ایران فعالیت می‌کنند، کشتی‌های جنگی اهداف اصلی هستند.»

این هشدار در حالی مطرح می‌شود که یک مقام ارشد آمریکایی در گفت‌وگو با فاکس نیوز تأیید کرد که گروه ضربت ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن هنوز وارد منطقه مسئولیت فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در اقیانوس هند نشده است.

این منبع گفت: «نزدیک است اما از نظر فنی هنوز وارد منطقه سنتکام نشده است.» این نشان می‌دهد که این ناو گروه هنوز در موقعیتی نیست که بتواند به ایران حمله کند.

کامرون شل همچنین خاطرنشان کرد که ارتش‌های امریکا و متحدانش به سرعت در حال توسعه پدافندهای خود هستند اما عدم قطعیت در مورد قابلیت‌های جدید در گروه‌های ناو هواپیمابر یواس‌اس آبراهام لینکلن برای مقابله با چندین پهپاد ایرانی که به صورت گروهی پرواز می‌کنند، همچنان وجود دارد.

او تاکید کرد که ناوگان پهپادی ایران نگران‌کننده است.

وی یادآور شد: «این پهپادها به ایران راهی بسیار معتبر برای تهدید شناورهای در سطح می‌دهند. دارایی‌های ایالات متحده در منطقه بزرگ، کند و به راحتی در رادار قابل شناسایی هستند که آنها را قابل هدف‌گیری می‌کند.»

شل تصریح کرد: «در ازا، قدرت ایران در این سیستم‌های پهپادی کم‌هزینه و با حجم بالا نهفته است - به ویژه پهپادهای تهاجمی یک‌طرفه که برای پرواز به سمت هدف و انفجار طراحی شده‌اند.»

او توضیح داد که ایران در سیستم‌های پهپادی رده یک و رده ۲ - پلتفرم‌های کم‌هزینه‌ای که می‌توانند به تعداد زیاد تولید شوند و به طور مؤثر در جنگ نامتقارن مورد استفاده قرار گیرند - به برتری اولیه‌ای دست یافته است.

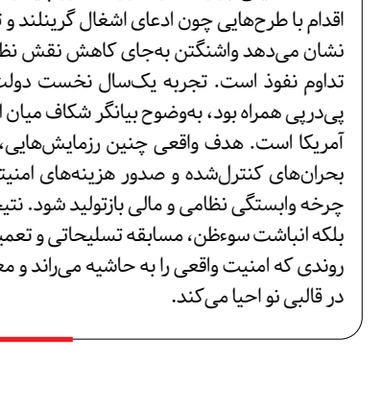

قطر، مانع جنگ ایران و آمریکا می شود؟

تلاش همسایه‌ها برای میانجی‌گری

میانجیگری قطر میان ایران و آمریکا که از سال ۲۰۲۳ آغاز شد نشان داد، حتی در اوج خصومت‌ها، وقتی میانجی‌های معتبر حضور دارند، دیپلماسی همچنان ممکن است.

قطر همواره با این دیدگاه همسو بوده که گفت‌وگو، نه اقدام نظامی، تنها راه واقع‌بینانه برای مهار مخاطرات و جلوگیری از تشدید تنش است

به گزارش اقتصادنیوز، تقابل میان آمریکا و ایران وارد مرحله‌ای ناپایدارتر و پرنوسان‌تر شده است؛ مرحله‌ای که با تهدید به حملات نظامی مستقیم، تشدید ادبیات تهدیدآمیز و فرسایش تدریجی محدودیت‌هایی همراه است که سال‌ها مانع از درگیری مستقیم بودند. از حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران گرفته تا پاسخ‌های حساب‌شده تهران در سراسر منطقه. خطر تشدید تنش دیگر صرفاً نظری نیست، بلکه به واقعیتی ملموس تبدیل شده است.

الجزیره در گزارشی نوشت:برای کشورهای حوزه خلیج فارس که امنیت و ثبات اقتصادی‌شان مستقیما در معرض پیامدهای هرگونه درگیری میان آمریکا و ایران قرار دارد، تبعات وضعیت فعلی میان ایران و آمریکا فوری و جدی است. در چنین فضایی باید دیپلماسی قطر میان واشنگتن و تهران را فهمید: نه به‌عنوان بی‌طرفی صرف، بلکه به‌مثابه تلاشی حساب‌شده برای مهار مخاطراتی که تشدید تنش تنها آن‌ها را بزرگ‌تر می‌کند.

پیامدهای تنش ایران و آمریکا منطقه‌ای است

دوره‌های تنش شدید میان ایالات متحده و ایران همواره پیامدهایی فراتر از واشنگتن و تهران داشته است. پس از موجی از اعتراضات داخلی در ایران، ادبیات سیاسی میان دو کشور به شکل محسوسی تندتر شد. در همین چارچوب، تهدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به مداخله به نفع معترضان، فوریت دیپلماسی در خلیج فارس را بیش از پیش افزایش داد. جغرافیای خلیج فارس، تمرکز زیرساخت‌های انرژی و درهم‌تنیدگی محیط امنیتی آن بدان معناست که حتی یک رویارویی محدود هم می‌تواند به‌سرعت به سراسر منطقه سرایت کند. در چنین وضعیتی، رویکرد قطر در قبال واشنگتن و تهران همواره بر کاهش تنش، میانجی‌گری و حفظ کانال‌های سیاسی در مقاطعی متمرکز بوده که این کانال‌ها بیش از هر زمان دیگری بسته به نظر می‌رسیدند.

قطر در مقاطع تنش حاد میان آمریکا و ایران به‌عنوان میانجی‌ای موثر و قابل‌اعتماد ظاهر شده و مسیرهای عملی ارائه داده که مانع از تشدید بیشتر بحران‌ها شده است.

دوحه با تکیه بر روابط پایدار خود با تهران و شراکت راهبردی‌اش با واشنگتن، کانال‌های محرمانه و قابل‌اعتمادی را حفظ کرده که به دو طرف امکان می‌دهد زمانی که تعامل مستقیم از نظر سیاسی دشوار می‌شود، همچنان با یکدیگر ارتباط داشته باشند. این جایگاه به قطر اجازه داده تا به نتایجی در جهت کاهش تنش کمک کند که برای هر دو طرف امکان حفظ آبرو را فراهم می‌سازد و نقش آن را به‌عنوان میانجی‌ای تقویت می‌کند که فضای سیاسی را به سود خویشتنداری، نه تقابل، ایجاد می‌کند.

قطر یک میانجی که همه را به خویشتنداری دعوت می‌کند

این نقش به‌ویژه در سپتامبر ۲۰۲۳ به‌طور آشکار دیده شد؛ زمانی که قطر به تسهیل تبادل زندانیان میان ایران و ایالات متحده و همچنین آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران برای اهداف بشردوستانه کمک کرد. این روند مستلزم ماه‌ها مذاکره غیرمستقیم، زمان‌بندی دقیق و اطمینان‌بخشی سیاسی به هر دو طرف بود.

هرچند این توافق نشانه آشتی گسترده‌تر بین دو کشور نبود، اما نکته‌ای مهم را برجسته کرد: حتی در اوج خصومت‌ها، وقتی میانجی‌های معتبر حضور دارند، دیپلماسی همچنان ممکن است.

برای دوحه، چنین میانجی‌گری هدف نهایی نیست، بلکه بازتاب یک باور گسترده‌تر است: مسئله هسته‌ای ایران و تنش‌های آمریکا و ایران به‌طور کلی، تنها از مسیر اجبار و فشار نظامی قابل مدیریت پایدار نیستند.

قطر همواره با این دیدگاه همسو بوده که گفت‌وگو، نه اقدام نظامی، تنها راه واقع‌بینانه برای مهار مخاطرات و جلوگیری از تشدید تنش است. این موضع به معنای بی‌تفاوتی نسبت به رفتار منطقه‌ای ایران یا نگرانی‌های اشاعه‌ای نیست؛ بلکه حاصل ارزیابی هزینه‌ها، عدم قطعیت‌ها و پیامدهای ناخواسته برای امنیت منطقه‌ای است. از همین رو، حتی پس از حمله موشکی ایران به پایگاه هوایی العدید در قطر که در ژوئن ۲۰۲۵ و در پاسخ به حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران صورت گرفت، دوحه به‌سرعت برای تعامل با هر دو طرف و مهار بحران وارد عمل شد.

قطر از طریق تماس‌های فوری و کانال‌های ارتباطی تثبیت‌شده، به تلاش‌های گسترده‌تری کمک کرد که به حمایت از یک آتش‌بس شکننده انجامید؛ آتش‌بسی که از آن زمان تاکنون عمدتا برقرار مانده و هم توان قطر در میانجی‌گری مؤثر و هم سطح اعتماد به دیپلماسی آن را نشان می‌دهد.

نویسنده این مقاله مدعی شده است: یک رویارویی نظامی با هدف سرنگونی حکومت ایران به‌طور قطع پیامدهایی فراتر از مرزهای این کشور خواهد داشت. در داخل، چنین سناریویی می‌تواند به فروپاشی دولت، تکه‌تکه شدن اقتدار حاکمیتی و بازسیاسی شدن هویت‌های قومی و فرقه‌ای در جامعه‌ای بزرگ و به‌شدت پیچیده منجر شود.

در خارج از مرزها نیز پیامدهای سرایتی می‌تواند شامل موج‌های گسترده پناهجویی به سوی کشورهای همسایه، از جمله کشورهای خلیج فارس و اختلالات شدید در امنیت دریایی و بازارهای انرژی باشد. در مجموع، این نتایج چالش‌های فوری و سنگینی را برای کشورهای خلیج فارس ایجاد می‌کند که ثبات خودشان به‌طور مستقیم به آرامش منطقه‌ای گره خورده است.

مخالفت کشورهای خلیج فارس با تشدید تنش میان ایران و آمریکا

تحولات اخیر منطقه، توازن راهبردی را تا حدی دگرگون کرده است. از زمان حملات هفتم اکتبر و درگیری‌های منطقه‌ای پس از آن، شبکه بازیگران غیردولتی هم‌پیمان ایران تحت فشار مستمر قرار گرفته است. هم‌زمان، حملات آمریکا به ایران در ژوئن ۲۰۲۵ هرگونه تصور باقی‌مانده درباره عدم تمایل واشنگتن به حمله مستقیم به ایران و تضعیف ظرفیت غنی‌سازی هسته‌ای آن را از میان برده است.

با این حال، از منظر کشورهای خلیج فارس، تشدید بیشتر تنش‌ها بازدهی کاهنده‌ای دارد. تضعیف نفوذ منطقه‌ای ایران لزوما به ثبات منطقه‌ای منجر نمی‌شود، به‌ویژه اگر از طریق راهبردهایی دنبال شود که خطر فروپاشی دولت را به همراه دارند.

برای کشورهای خلیج فارس، اولویت پرهیز از هرج‌ومرجی است که پرهزینه، غیرقابل پیش‌بینی و دشوار برای مهار خواهد بود. این ارزیابی محدود به دوحه نیست. در سال‌های اخیر، موضع قطر به‌طور فزاینده‌ای به دیدگاه‌های عربستان سعودی و عمان نزدیک شده است؛ کشورهایی که هر دو در کاهش تنش با تهران از طریق گفت‌وگو و اقدامات اعتمادساز سرمایه‌گذاری کرده‌اند. تلاش آن‌ها برای انتقال خطرات تشدید نظامی به دولت ترامپ بازتاب‌دهنده حال‌وهوای گسترده‌تری در منطقه است؛ فضایی که مهار و تعامل را به تقابل ترجیح می‌دهد. این همگرایی با توجه به اختلافات سیاسی تاریخی میان پایتخت‌های خلیج فارس، قابل توجه است.

چرا میانجی‌گری اهمیت دارد؟

تلاش‌های میانجی‌گرانه قطر مسیری را پیش پا می‌گذارد که در مقطعی که تشدید تنش بازدهی کمتری دارد، به جلوگیری از هرج‌ومرج منطقه‌ای کمک می‌کند. دوحه با باز نگه داشتن کانال‌ها، تسهیل توافق‌های محدود و راهبردهای حداکثری، می‌کوشد احتمال محاسبه اشتباه را کاهش دهد. این تلاش‌ها به‌ندرت به دستاوردهای نمایشی منجر می‌شوند و اغلب بنا به ماهیت خود، نامرئی باقی می‌مانند؛ اما نبود آن‌ها به‌احتمال زیاد تشدید تنش را محتمل‌تر می‌کند، نه کمتر. در محیطی منطقه‌ای که روزبه‌روز قطبی‌تر می‌شود، ارزش کاهش تنش به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود. این رویکرد نه شفافیت بازدارندگی را دارد و نه هیجان اقدام نظامی را. با این حال، همان‌گونه که نقش‌آفرینی قطر میان واشنگتن و تهران نشان می‌دهد، دیپلماسی هرچند تدریجی و ناقص، همچنان یکی از معدود ابزارهایی است که می‌تواند از لغزش بحران‌ها به سوی درگیری گسترده‌تر جلوگیری کند. در منطقه‌ای که هزینه‌های جنگ بسیار فراتر از میدان نبرد تقسیم می‌شود، این نقش را نباید دست‌کم گرفت.

آینده کره شمالی به کدام سمت می‌رود؟

نمایش موفقیت در پیونگیانگ

در آستانه برگزاری کنگره نهم حزب کارگران در کره شمالی، کیم جونگ اون در صدد است تا چهره‌ای تازه از حکومتی مخوف و کشوری که در تاریکی و سکوت فرو رفته است، نشان دهد. پس از سال‌ها جستجو برای بقا، در زمانه‌ای که فقر و قحطی سراسر کره شمالی را نوردیده بود، پیونگیانگ حالا نمایشی از قدرت و موفقیت اجرا می‌کند. رهبر ۴۲ ساله این کشور، در آستانه مهم‌ترین واقعه سیاسی در کشور و در شرایطی که طی دو سال گذشته شریک مسکو در جنگ با اوکراین بوده، مایل است تا دستاوردی به جز قتل سیاستمداران، حذف شهروندان از عرصه جهانی و گرسنگی و البته آزمایش‌های موشکی داشته باشد.

خطر در کمین مسئولان است

هفته گذشته کیم جونگ اون رهبر کره شمالی، در جریان بازدید از افتتاح یک مجتمع ماشین‌آلات صنعتی، معاون نخست‌وزیر خود را برکنار کرد و در یک انتقاد نادر و بسیار علنی از مقام‌های اداری، علیه مسئولان ناکارآمد در کشورش سخن گفت. خبرگزاری دولتی کی سی ان آی روز سه‌شنبه ۲۰ ژانویه گزارش داد که معاون نخست‌وزیر یانگ سونگ هو در همان لحظه برکنار شد و کیم در سخنرانی خود مقام‌هایی را که بی‌مسئولیت، گستاخ و ناکارآمد هستند، مورد انتقاد قرار داد. کیم گفته است: رفیق معاون نخست‌وزیر، لطفا قبل از آنکه دیر شود، خودتان استعفا دهید.

کره شمالی، که تحت تحریم‌های فراوان به‌خاطر برنامه‌های تسلیحاتی خود قرار دارد، مدت‌هاست با اقتصاد دولتی فلج‌شده و کمبود مزمن غذا دست‌وپنجه نرم می‌کند. کیم در سال‌های اخیر به طور معمول مسئولان تنبل را به‌خاطر مدیریت ضعیف سیاست‌های اقتصادی سرزنش کرده است، اما چنین برکناری علنی بسیار نادر به حساب می‌آید. در همان مراسم اون خواستار تحول سریع در عقب‌ماندگی چندصدساله اقتصاد شد و گفت که باید اقتصادی مدرن و پیشرفته ساخته شود که آینده کشور را تضمین کند. رهبر کره‌شمالی اما توضیح نداد که کشوری که درگیر تحریم و قحطی بوده و تنها ارتباطش با روسیه و چین است، چطور می‌تواند شاهد تحولی سریع در اقتصاد خود باشد.

با توجه به سابقه کیم در برکناری یا برخورد خشونت‌آمیز با کسانی که دیگر به کارش نمی‌آیند، اتفاقی که در مجتمع ماشین آلات صنعتی رخ داد به معنای یک زنگ خطر جدی برای مقامات این کشور، به ویژه کسانی است که در حوزه اقتصادی فعال‌اند.

مقاماتی که کیم را راضی نمی‌کنند

کره شمالی مدت‌هاست که اولویت خود را به برنامه‌های نظامی و هسته‌ای ممنوعه داده و به نیازهای مردم خود به‌طور کامل رسیدگی نکرده است. این کشور به شدت در برابر بلایای طبیعی، از جمله سیل و خشکسالی، آسیب‌پذیر است، زیرا زیرساخت‌ها به‌شدت کم و جنگل‌ها تخریب شده و دهه‌ها سوءمدیریت دولتی بر آن تأثیر گذاشته و شهروندان را به زحمت انداخته است.

نقشه راه جدید ترسیم می‌شود

کره شمالی در پنج سال آینده چه وضعیتی خواهد داشت؟ این سوالی است که در کنگره نهم حزب که در هفته‌های آتی برگزار خواهد شد، به آن جواب می‌دهند. در واقع این کنگره نگاهی به دستاوردهای پنج سال گذشته و ترسیم راه‌هایی برای آینده است. کیم جونگ اون احتمالا در تصمیمی شخصی تلاش کرده است تا برای خود دستاوردهایی دست و پا کرده و در کنگره نهم با پرونده‌ای سرشار از اعدام و مرگ بر اثر سیل و گرسنگی و بیماری به جلسه نرود. در واقع کنگره، یکی از بزرگ‌ترین نمایش‌های تبلیغاتی کره شمالی است و هدف آن مرور پروژه‌های گذشته، تعیین اولویت‌های سیاسی و اقتصادی جدید و جابه‌جایی مقامات است. طبق پیشبینی ناظران در طول کنگره، رهبر کره شمالی احتمالا سیاست همکاری با روسیه، چین و دیگر کشورها را عاملی معرفی خواهد کرد که باعث می‌شود توسعه اقتصادی تدریجی حاصل شود. موضوع دیگری که کارشناسان را کنجکاو کرده این است که آیا کم جونگ اون، به مذاکره با آمریکایی‌ها برای حل و فصل دهه‌ها اختلاف و برطرف شدن تحریم‌ها نگاهی دارد یا نه؟ از آنجایی که کیم در دور نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ با او دیدارهایی داشت و تصاویر باشکوهی گرفت، بعید نیست که او اینبار هم مشتاق امتحان کردن شانس خود باشد.

بسیاری از ناظران معتقدند دونالد ترامپ اساسا مردان مستبد و سیاستمدارانی چون کیم را به دیگر سیاستمداران و حامیان دموکراسی ترجیح می‌دهد. همین روحیه باعث شده تا برخی امیدواریها در مورد اینکه روابط واشنگتن و پیونگیانگ شاید اینبار کار کند؛ به وجود بیاید. هر چند این امیدها بسیار کمرنگ به نظر می‌رسند.

آیا کره شمالی پنج سال آینده را هم در انزوا خواهد گذراند؟ پاسخ به این سوال بسیار دشوار است. پیونگیانگ علاقه وافری به سورپرایز کردن جهان دارد، حتی اگر این غافلگیری با نحوه اعدام مقامات یا تعداد کشته شدگان بر اثر کرونا یا گرسنگی باشد. این کشور طی دو سال گذشته با شرکت سربازان خشنش در جنگ روسیه با اوکراین و همراهی با مسکو، نشان داد که مایل است خود را بازتعریف کند. روابط مسکو و پیونگیانگ هرگز تا امروز به این اندازه نزدیک نبوده است و همین نزدیکی اندک امیدواری‌هایی را برای شهروندان فقیر کره شمالی به ارمغان آورده است. پولی که روس‌ها بابت هر سرباز کره شمالی به پیونگیانگ پرداخت می‌کنند، اگر صرف توسعه نظامی و بلندپروازی‌های موشکی و هسته‌ای نشود، می‌تواند در بهبود اندک شرایط کمک‌حال مردم عادی بوده یا به توسعه صنعت بی‌انجامد. اما همه اینها تنها به تصمیم شخص کیم جونگ اون بستگی دارد که هیچ‌گونه مخالفتی را برنتابیده و میلی به مشورت ندارد.

اخبار

بیل کلینتون:

مردم آمریکا به‌پا خیزید

پس از کشته‌شدن دومین شهروند آمریکایی در مینیاپولیس به دست ماموران مهاجرت، بیل کلینتون رئیسجمهور پیشین آمریکا از مردم این کشور خواست از ارزش‌های خود دفاع کنند؛ رخدادی که دونالد ترامپ آن را به «هرج‌ومرج» دموکرات‌ها نسبت داده است.

به گزارش ایسنا، «بیل کلینتون» در بیانیه‌ای اعتراضی به دولت کنونی واشنگتن گفت: معترضان صلح طلب «بازداشت شده‌اند، کتک خورده‌اند، با گاز اشک‌آور هدف قرار گرفته‌اند و دردناکتر از همه، دو شهروند آمریکایی رِنه گود و الکس پرِتی، هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده‌اند.» خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از کلینتون گفت: «همه این‌ها غیرقابل‌قبول است» و از آمریکایی‌ها خواست «بایستند و صدای خود را بلند کنند.» او افزود: «اگر بعد از ۲۵۰ سال آزادی‌هایمان را واگذار کنیم، ممکن است هرگز نتوانیم آنها را پس بگیریم.»

دولت ترامپ به‌دلیل سرکوب گسترده مهاجرتی با فشار فزاینده‌ای روبه‌رو شده است، به‌ویژه پس از آنکه ماموران فدرال روز شنبه الکس پرتی، پرستار ۳۷ ساله بخش مراقبت‌های ویژه را هنگام درگیری با او در جاده‌ای یخزده هدف گلوله قرار داده و کشتند

این حادثه کمتر از سه هفته پس از آن رخ داد که یک افسر مهاجرت به رِنه گود، ۳۷ ساله در مینیاپولیس شلیک کرد و او را داخل خودرویش کشت.

مقام‌های دولت ترامپ به‌سرعت ادعا کردند پرتی قصد آسیب‌زدن به ماموران فدرال را داشته است؛ همان ادعایی که پس از مرگ گود نیز مطرح شد.

با این حال، ویدیویی که به‌طور گسترده در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و رسانه‌های آمریکایی آن را تایید کردند، نشان می‌دهد پرتی هرگز سلاحی نکشیده و ماموران تنها چند ثانیه پس از آنکه به صورت او اسپری فلفل پاشیده و او را به زمین کوبیدند، به سویش شلیک کرده‌اند.

ترامپ به‌شکلی تحریک‌آمیز مرگ این دو نفر را به مقام‌های منتخب دموکرات مینه‌سوتا، از جمله تیم والتز فرماندار این ایالت و جیکوب فری شهردار مینیاپولیس نسبت داد و در پلتفرم «تروث سوشال» نوشت: «شهرها و ایالت‌هایی که توسط دموکرات‌ها اداره می‌شوند از همکاری با ICE خودداری می‌کنند.»

او افزود: به‌طور تراژیک، دو شهروند آمریکایی در نتیجه این هرج‌ومرج ایجاد شده توسط دموکرات‌ها جان خود را از دست داده‌اند.

کرملین:

خواستار خویشتنداری درباره اوضاع پیرامون ایران هستیم

سخنگوی کرملین امروز (دوشنبه) در خصوص اوضاع پیرامون ایران گفت روسیه از همه طرف‌ها انتظار خویشتنداری و تمرکز بر حل و فصل مسالمت‌آمیز را دارد.

به گزارش ایسنا، «دیمیتری پسکوف» سخنگوی کرملین همچنین گفت روسیه هشدار می‌دهد که هرگونه حمله نظامی علیه ایران می‌تواند به بی‌ثباتی شدید منطقه‌ای منجر شود و از همه طرف‌ها خواستار خویشتنداری است.

پسکوف در ادامه افزود: ««حمله نظامی احتمالی به ایران مطمئنا به معنای گام دیگری است که می‌تواند وضعیت منطقه را به طور جدی بی‌ثبات کند. شما می‌دانید که روسیه همچنان به تلاش‌های خود برای کاهش تنش‌ها ادامه می‌دهد. در این مورد، ما همچنان انتظار خویشتنداری از همه طرف‌های ذینفع و البته تمرکز بر مذاکرات صرفا مسالمت‌آمیز را داریم.»

گفت‌وگوی ترامپ و پوتین در دستور کار نیست

وی در ادامه به خبرنگاران گفت: گفت‌وگو با دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا هنوز در دستور کار نیست، اگرچه در صورت نیاز می‌توان به سرعت هماهنگی‌های لازم را انجام داد.

سخنگوی کرملین ادامه داد: «در حال حاضر، چنین گفت‌وگویی بین روسای جمهور روسیه و آمریکا در برنامه نیست، اما هماهنگی‌ها خیلی سریع انجام می‌شود. کانال‌های ارتباطی و مجاری موجود برای گفت‌وگو با طرف آمریکایی، امکان هماهنگی فوری تماس‌های دوجانبه در بالاترین سطح را فراهم می‌کند.»

سخنگوی کرملین افزود روسیه از طریق کانال‌های دیپلماتیک در حال گفت‌وگوی مداوم با ونزوئلا است و کاراکاس توسعه روابط با روسیه را در اولویت قرار داده است.

پسکوف همچنین با بیان اینکه کرملین گزارش‌ها در مورد محاصره احتمالی کوبا را عمیقا نگران‌کننده می‌داند، افزود: «ما همچنین برای روابط دوجانبه جداگانه خود با کوبا بسیار ارزش قائلیم.»

رزمایش آمریکا در منطقه را بررسی شد

رزمایش یا مقدمه‌چینی برای بحران بعدی؟

همزمان با اعلام رزمایش چندروزه هوایی سنتکام در منطقه و برجسته‌سازی تهدیدات، الگوی رفتاری آمریکا نشان می‌دهد که هدف، بیش از امنیت‌سازی، بازتولید حضور نظامی، فروش تسلیحات و مهندسی ناامنی است. در برابر این روند، راهبرد همگرایی بومی و امنیت جمعی منطقه‌ای گزینه‌ای واقع‌بینانه‌تر و پایدارتر می‌نماید.

به گزارش نورنیوز رزمایش اخیر نیروی هوایی آمریکا تحت امر سنتکام با شعار «تقویت استقرار و پایداری قدرت» معرفی شد؛ تعبیری که در ظاهر، بر بازدارندگی و آمادگی انعطاف‌پذیر تاکید دارد، اما در عمل به معنای مهندسی صحنه امنیتی برای عادی‌سازی حضور پایدار و هزینه‌زا است. همزمانی این اقدام با طرح‌هایی چون ادعای اشغال گرینلند و تشدید مداخلات فرامنطقه‌ای، نشان می‌دهد واشنگتن به‌جای کاهش نقش نظامی، در پی بازتعریف آن برای تداوم نفوذ است. تجربه یک‌سال نخست دولت ترامپ که با بحران‌زایی‌های پی‌درپی همراه بود، به‌وضوح بیانگر شکاف میان ادعای صلح‌سازی و رفتار عملی آمریکا است. هدف واقعی چنین رزمایش‌هایی، تولید ادراک تهدید، مدیریت بحران‌های کنترل‌شده و صدور هزینه‌های امنیتی به کشورهای عربی است تا چرخه وابستگی نظامی و مالی بازتولید شود. نتیجه منطقی این روند، نه ثبات، بلکه انباشت سوءظن، مسابقه تسلیحاتی و تعمیق شکاف‌های منطقه‌ای است؛ روندی که امنیت واقعی را به حاشیه می‌راند و معادله «صلح از مسیر جنگ» را در قالبی نو احیا می‌کند.

رزمایش با سلاح‌های عاریه‌ای؛ امنیتِ بی‌اختیار

هسته سخت این الگو، «تسلیح بدون اختیار» است: فروش گسترده سلاح به کشورهای عربی در قبال محدودیت کاربرد و وابستگی فنی و عملیاتی. در دهه‌های گذشته، هیچ‌یک از این انباشت‌های تسلیحاتی علیه رژیم صهیونیستی به‌کار نرفته و حتی تعرض‌های مستقیم یا غیرمستقیم این رژیم نیز بی‌پاسخ مانده است. این مدل، همزمان با کاستن از ظرفیت بومی‌سازی، وابستگی چرخه‌ای به آموزش، قطعات یدکی، کدهای نرم‌افزاری و پشتیبانی هوابرد ایجاد می‌کند؛ یعنی امنیتی «عاریه‌ای» که در بزنگاه، سوئیچ آن در واشنگتن است. در مقابل، تجربه ایران نشان می‌دهد که تکیه بر دانش بومی، سرمایه انسانی و زنجیره خودکفایی در حوزه‌های زمینی، دریایی، هوایی و راداری می‌تواند بازدارندگی واقعی و قابل اتکا تولید کند؛ از پاسخ‌های بازدارنده در بحران‌های اخیر تا حضور فعال در رزمایش‌های چندجانبه نظیر شانگهای، بریکس و مانورهای مشترک با روسیه، چین و هند. این مسیر، امنیت را از «نمایش قدرت» به «توان بومی پایدار» منتقل کرده و معادله وابستگی را بر هم می‌زند.

تروریسمِ ساختاری و سفیدشویی امنیتی

کارنامه چند دهه‌ای آمریکا در منطقه، از جنگ‌افروزی و تغییر رژیم تا حمایت ساختاری از رژیم صهیونیستی و بهره‌گیری از گروه‌های نیابتی، با مفهوم امنیت پایدار ناسازگار است. رزمایش‌های دوره‌ای، بخشی از «سفیدشویی امنیتی» است تا چهره‌ای ناجی از بازیگری نمایش داده شود که همزمان با آزادسازی یا جابه‌جایی میدان‌های بحران، جنگ‌های نیابتی و کمک‌های نظامی نامتوازن را پیش می‌برد. نتیجه عملی این فرآیند، گسترش ناامنی ادراکی، تشدید تنش‌های مرزی و انتقال هزینه‌های مادی و انسانی به دولت‌های منطقه‌ای است. همسایگان وقتی امنیت را از منشور آمریکایی تعریف می‌کنند، عملاً وارد زنجیره‌ای از خریدهای دفاعی، قراردادهای آموزشی و وابستگی اطلاعاتی می‌شوند که نه تنها بازدارندگی واقعی نمی‌آفریند، بلکه انعطاف سیاسی آنان را در پرونده‌های حساس از جمله فلسطین کاهش می‌دهد. رزمایش کنونی نیز تکرار همین چرخه است: نمایش بازدارندگی با هدف لاپوشانی ناکامی‌های میدانی، حفظ فشار بر محورهای مستقل و تقویت پوشش حمایتی برای رژیم صهیونیستی.

گزینه راهبردی منطقه؛ امنیت بومی و همگرایی

با توجه به سابقه رفتاری آمریکا و پیوستگی راهبردی آن با رژیم صهیونیستی، اتکا به رزمایش‌های فرامنطقه‌ای نه تنها امنیت نمی‌آورد، بلکه بی‌ثباتی را نهادینه می‌کند. راهکار واقع‌بینانه، حرکت به سوی معماری امنیت جمعی بومی است: همگرایی همسایگان برای مدیریت اختلافات، ایجاد سازوکارهای هشدار و اعتمادسازی، رزمایش‌های مشترک دریایی و هوایی با هدف مقابله با تروریسم و دزدی دریایی، و همزمان تقویت زیرساخت‌های صنایع دفاعی بومی. محور فلسطین و مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی، می‌تواند به‌عنوان پیشران همگرایی عمل کند. ایران اعلام کرده آماده است توانمندی‌های دفاعی خود را در چارچوب همکاری‌های قانونی و شفاف در اختیار امنیت منطقه قرار دهد؛ واقعیتی که در عمل نیز هزینه داده و

دستاورد داشته است. گذار به «نظم نوین بومی‌محور» مستلزم تنوع‌بخشی شرکای امنیتی، توازن در سیاست خارجی، و سرمایه‌گذاری مشترک در فناوری‌های بومی است تا در سایه امنیت پایدار، پیوندهای اقتصادی، علمی و فرهنگی توسعه یابد.

این مسیر، امنیت را از «نمایش تسلیحاتی» به «تاب‌آوری منطقه‌ای» تبدیل می‌کند و به جای فاکتورزدایی از امنیت را رقم می‌زند.